



تحلیلی تاریخی و پاسخ به چند غلط؛ ایرانیان چگونه شیعه شدند؟

سابقه دین اسلام در سرزمین ایران به عصر حیات «پیامبر اکرم(ص)» و نامه آن حضرت به «خسرو پرویز» شاه ایران برمی گردد؛ و ورود رسمی این دین به این سرزمین، به سال 16 هجری و در زمان حکومت «عمر بن خطاب» خلیفه دوم.

سابقه دین اسلام در سرزمین ایران به عصر حیات «پیامبر اکرم(ص)« و نامه آن حضرت به «خسرو پرویز« شاه ایران برمی گردد؛ و ورود رسمی این دین به این سرزمین، به سال 16 هجری و در زمان حکومت «عمر بن خطاب« خلیفه دوم.

اما سؤال اساسی این است که به رغم ورود اسلام به ایران در دوره خلفا و همچنین به رغم آنکه ایرانیان قرون اولیه، اکثراً جزو اهل سنت بودند، چگونه شد که هم اینک شاهد اکثریت ایرانیان شیعی هستیم؟

در این نوشته، بحث کلامی مطرح نیست. بلکه از دیدگاه "جامعه‌شناسی تاریخی" بررسی می‌کنیم که چه تحولاتی باعث شد که اکثر ایرانیان، شیعه شوند.

در خصوص سؤال فوق دو دسته پاسخ ارائه شده است:

1. پاسخ های نادرست و افسانه‌ای.

2. پاسخ صحیح و منطقی.

در اینجا ضمن طرح چند پاسخ افسانه‌ای و نقد آنها، در انتها پاسخ صحیح را ارائه خواهیم کرد.

1. پاسخ‌های نادرست و افسانه‌ای:

1 – 1. ازدواج امام حسین (ع) با شهربانو دختر یزدگرد سوم از سلسله ساسانی، باعث علاقه ایرانیان به اهل بیت(ع) و در نتیجه تشیع ایرانیان شده است.

نقد این پاسخ:

اولاً: اساس چنین داستانی صحیح نیست.

ثانیاً: لازمه‌ی صحت این داستان آن است که ایرانیان می‌بایست به خود سلسله ساسانیان علاقه داشته باشند، تا به دامادشان هم علاقه داشته باشند. در حالی که ایرانیان اجازه داده‌اند تا این سلسله براحتی فرو بپاشد و حتی یزدگرد نیز پا به فرار گذاشت و در شهرهای مختلف ایران آواره بود تا این که سرانجام توسط "آسیابانی ایرانی" در "مرو" کشته شد.

ثالثاً: پاسخ دیگری هم شهید مطهری می‌دهد و آن اینکه تعدادی از امویان هم با ساسانیان پیوند زناشویی بستند. پس چرا ایرانیان نسبت به امویان علاقه‌مند نشدند؟

2 – 1. ایرانیان در اصل ضد اعراب، ضد اسلام و ضد مسلمانان بوده‌اند. وقتی ایران توسط مسلمانان فتح شد، ایرانیان مجبور بودند در ظاهر بگویند ما مسلمان شده‌ایم و الا کشته می‌شدند یا باید جریمه می‌پرداختند. لذا در ظاهر اسلام را قبول می‌کردند اما در واقع همان عقاید زرتشتی‌گری و عقاید قبل از اسلام خود را حفظ کردند و ادامه دادند لکن تحت عنوان شیعه. پس تشیع، مذهبی است که در اصل به دست ایرانیان ساخته شده و ربطی به اسلام ندارد، بلکه مذهبی ایرانی است.

نقد این پاسخ:

اولاً: این نظریه زمانی می‌تواند صحیح باشد که رهبران اصلی شیعه ایرانی باشند؛ در حالی که همه رهبران اصلی شیعه که ائمه معصومین علیهم السلام هستند، عرب هستند.

ثانیاً: این نظریه در صورتی صحیح است که شیعیان اولیه همه ایرانی باشند در حالی که جز تعداد کمی از شیعیان اولیه - نظیر «جناب سلمان فارسی» - غالب شیعیان از عرب‌ها بودند.

ثالثاً: نظریه فوق وقتی می‌تواند صحیح باشد که منابع و متون اصلی شیعه با سایر مسلمانان تفاوت می‌داشت و می‌بایست این تفاوت در منابع ایرانی خود را نشان دهد. در حالی که اینطور نیست. اولین منبع اصلی مسلمان قرآن کریم است که شیعه و غیر شیعه به آن اعتقاد دارند. دومین منبع سنت است. اجماع هم به همان کتاب و سنت برمی‌گردد و عقل به مستقالات عقلیه باز می‌گردد که اختصاص به ایرانیان ندارد بلکه مربوط به همه است.

رابعاً: نظریه فوق وقتی می‌توانست قرین واقع باشد که ایرانیان از همان قرون اولیه تماماً شیعه باشند. در حالی که ایرانیان در این دوره‌ها غالباً غیر شیعه بوده و به اسلام اهل سنت گرایش داشتند و اکثر رهبران اهل سنت هم از ایرانیان بودند. همچنین مؤلفان متون دینی اهل سنت اکثراً ایرانی هستند و این نکته‌ای است که شهید مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می‌آورد.

خامساً: رهبران و دانشمندان شیعه تا قرن دهم اکثراً غیرایرانی بودند و خارج از ایران زندگی می‌کردند. «شیخ مفید»، «سید مرتضی»، «محقق حلی»، «شهید اول و ثانی» و علمای جبل عامل که بعدها به دعوت صفویه به ایران آمدند و همچنین «محقق کرکی» که حوزه‌های علمیه شیعه را در ایران و عراق و مناطق دیگر گسترش داد، همه غیرایرانی بودند. این نکته صحیح است که فرهنگ، زبان و زمان و مکان و رسم و عادات در آموزه‌های مذهبی تأثیرگذار است. اما اینگونه نیست که این عوامل سبب شوند یک مذهب تشیع خاص ایرانیان تأسیس شده باشد. اتفاقاً فقه شیعی بر عنصر زمان و مکان، تاریخ و غیره تأکید فراوان دارد. بنابراین، تأثیر و تأثر قابل انکار نیست ولی مسأله نمی‌تواند تعیین کننده باشد.

برخی آموزه‌های فلسفی قبل از اسلام به بعد از اسلام هم منتقل شده است. بعضی از عادات و داستان‌ها هم منتقل شده است. در واقع ایرانیان برخی از میراث‌های خود را حفظ کرده‌اند، اما آن را هرگز جزئی از تشیع ندانسته‌اند. بلکه یکسری از این مسائل مربوط به آداب و رسوم ملی ماست که ربطی به تشیع ندارد. مثل زبان فارسی، عید نوروز و... ایرانیان هیچ گاه زبان فارسی را رها نکردند. زیرا بین اسلام و ایران تضادی نبوده است. بلکه در مواردی که تعارضی وجود داشته، ایرانیان خود به نفع اسلام از آن دست کشیده‌اند و اسلام را مقدم دانسته‌اند.

3 - 1. ایرانیان تا قرن دهم سنی بودند. از آن پس با زور صفویان به شیعه گرایش یافتند. زیرا شاه اسماعیل صفوی وقتی در تبریز تاج گذاری کرد، بسیاری از سنی‌ها را قتل عام نمود.

نقد پاسخ فوق:

اولاً: شاه اسماعیل یک جوان 14 ساله بود و نمی‌توان پذیرفت که وی بدون حمایت شیعیان به قدرت رسیده باشد. زیرا منطقی نیست که حامیان وی از سنی‌ها باشند و علیه مذهب خود، شاه اسماعیل را به نفع مذهب تشیع حمایت کنند. بنابراین، در ایران آن زمان شیعیان زیادی وجود داشته‌اند که صفویه به اتکالی آنان توانسته‌اند قدرتی تشکیل دهند و در برابر عثمانی که یک امپراتوری پر قدرت مدعی سنی بود، بایستند و مقابله کنند و در نهایت حکومت تشکیل دهند.

ثانیاً: در تاریخ ثابت نشده است که صفویه با زور شمشیر شیعه را در ایران به وجود آورده باشند. البته به صورت جزئی و موردی، اهل سنت مورد آزار صفویان واقع می‌شدند، چنانکه شیعیان مورد آزار عثمانی‌ها قرار می‌گرفتند. روشن است که عمل هر دو حکومت نادرست و غیراسلامی بوده است.

2. پاسخ صحیح و منطقی:

نخست باید بپذیریم که استقرار و نفوذ یک مذهب در میان یک قوم، امری نه دفعی بلکه به صورت تدریجی است. ما نباید به دنبال تاریخ خاص و معینی باشیم. به نظر می‌رسد از زمانی که اولین ایرانی به تشیع گرایش یافته تا زمانی که تشیع در ایران فراگیر شد و اکثریت ایرانیان را شیعیان تشکیل دادند، حدود 10 قرن به طول انجامیده باشد.

اتفاقاتی که طی 10 قرن اولیه اسلام در ایران به وقوع پیوست باعث فراگیری تشیع در ایران شد که به اجمال می‌توان آنها را اینگونه مرور کرد:

1 - 2. نخست آنکه «جناب سلمان» صحابه با وفای پیامبر و اهل بیت، فردی ایرانی و شیعی بود. در یمن نیز ایرانیانی وجود

داشتند که متمایل به سمت اهل بیت بودند. یمن توسط حضرت علی (ع) و در زمان حیات رسول اکرم (ص) به اسلام ایمان آورد و اهل یمن از همان زمان با حضرت علی (ع) آشنا شدند؛ در حالی که ساحل خلیج فارس تا یمن تحت نفوذ ایران بود.

2 - 2. در دوره خلیفه دوم، وی تبعیض‌هایی بین عرب و عجم قائل شد که موجب آزردهی خاطر ایرانیان گردید. پس از کشته شدن خلیفه دوم به دست یک ایرانی، فرزند وی چند تن از ایرانیان موجود در مدینه را به قتل رساند. اما وقتی حضرت علی (ع) به حکومت رسید اعلام کرد که بین عرب و عجم تفاوتی نیست و عرب هیچ گونه فضلی بر عجم ندارد و این باعث شد تا ایرانیان به حضرت علی (ع) گرایش پیدا کنند. همچنانکه «؛امام زین العابدین (ع)> با خریدن و آزاد کردن تعداد زیادی از بردگان و بندگان غیر عرب، جمعیت زیادی از موالیان در مدینه ایجاد کرد که محب اهل بیت (ع) بودند.

3 - 2. پس از شهادت حسین بن علی (ع) ایرانیان متوجه شدند از اسلام دو قرائت وجود دارد: اسلام یزیدی و اسلام حسینی. بنی امیه با آن سابقه ظلم‌ها و اعمال تبعیض‌ها نمی‌توانست در قلوب ایرانیان جایی داشته باشد و به صورت طبیعی ایرانیان به سوی امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) گرایش پیدا کردند و بعدها در سقوط بنی امیه بیشترین کمک‌ها را نمودند. زیرا بنی عباس با شعار حمایت از آل محمد (ص) قیام کردند. اما بعد معلوم شد که این جریان نیز با جریان اهل بیت فاصله دارد.

4 - 2. در طول تاریخ، برخی از شاگردان امام جعفر صادق و سایر ائمه - علیهم السلام - در ایران حضور یافتند و به طور گسترده مکتب اهل بیت (ع) را تبلیغ کرده و ایرانیان را به مذهب آنان دعوت می‌کردند.

5 - 2. حضور حضرت امام رضا (ع) در خراسان عامل دیگری است. یکی از دلایلی که «؛مأمون> می‌خواست امام رضا (ع) را ولیعهد کند، مقابله با عرب‌هایی بود که از برادرش «؛امین> حمایت می‌کردند. تحلیل وی این بود که با ولایت عهدی امام رضا (ع) هم ایرانیان شیعی را به سوی خود جذب خواهد کرد و هم شیعیان عرب؛ و این باعث تقویت قدرت وی و ضعف امین خواهد شد.

6 - 2. بسیاری از امام زادگان از ظلم «؛منصور دوانیقی> و دیگر خلفای ستمگر به ایران آمدند و پراکندگی آنان در سراسر ایران عامل دیگری در گسترش تشیع در ایران بود. همانطور که حضور «؛حضرت معصومه (س)> در قم، «؛حضرت شاه چراغ (ع)> در شیراز و «؛حضرت عبدالعظیم (ع)> در ری، از دلایل مهم روی آوردن مردم ایران به سمت تشیع است.

7 - 2. در عصر سلاطین شیعه‌ی آل بویه موجبات تبلیغ مکتب اهل بیت (ع) بیش از پیش فراهم شد و کتب مهم شیعی مثل تهذیب، استبصار، کافی و من لایحضره الفقیه در این زمان تألیف شد. بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی و سید رضی توانستند در این عصر اسلام شیعی را به مردم معرفی نمایند.

8 - 2. در دوره ایلخانان، حضور علامه حلی به مدت 10 سال در ایران و آزادی وی در بیان احکام و مهارت او در فقه و کلام و نیز تلاش‌های «؛خواجه نصیر الدین طوسی> عامل دیگری در این زمینه است.

9 - 2. حلقه آخر این جریان تأسیس دولت صفویه و اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی و حضور و دعوت از علمای شیعه از سراسر جهان اسلام است. این همه سبب شد تا بالاخره در عصر صفویه پس از طی 10 قرن، اسلام شیعی در ایران گسترش یابد و به صورت یک مکتب و مذهب فراگیر در این کشور معرفی شود.